

نامه همسران شهیدان همت و باکری به میرحسین موسوی:

فراموشتان نکرده‌ایم و قدرتان زحمات شما و دیگر دوستان در بند هستیم

کسانی که در زمان جنگ در خارج از کشور به تحصیل و زندگی مشغول بودند و یا در گوشه کناره‌های جنگ در محل امن منتظر موقعیت بودند، به مدیریت کشور منصوب شدند. و قیافه ما در این سالها دیدنی بود، ما که بعد از یک عمر شعار دادن به انتظار شعور نشسته بودیم، ما که غیر از خون عزیزترین کسانمان، اشک خود و فرزندانمان را به پای آرمانهای جمهوری اسلامی، نه جمهوری خالی که می‌شود در هر کجایی تشکیل شود، ریختیم تا اسلامی که موجودیتش برای احیاء اخلاق و رشد و تعالی روح انسانها ست، حافظ استقلال و امنیت و آزادی مردم ایران باشد. اما شاهد بودیم که دیگر در جمهوری اسلامی هدف وسیله را توجیه می‌کند. و می‌توان دروغ گفت، از رمالی و اسطربلاب برای اداره کشور بهره برد. انسانها خریدنی شدند و کرامت انسانی متاعی شد دست نیافتنی. در این مدت برای اثبات حقانیت خود نه تنها آینده را درست نکردند بلکه گذشته‌ای که هنوز بخشی از آن برای ما غرور آفرین بود را از ما گرفتند. همه عملکرد دولت های قبلی اشتباه خوانده شد. از دید آقایان شهداء منحرف و مسئولین دزد بودند. با دروغ هایی که شبانه روز می شنیدیم، به شعور ما توهین می شد. تشویش اذهان عمومی مصداق بارز اعمال و گفتار آقایان در آن سالها بود. دزد ها را نگرفتند و این طور که بویش می آمد همه دزد بودند و فقط بعضی امکاناتش را نداشتند. اما ما مثل شما اتفاقات امروز را فریاد کردیم ولی حتی دوستان هم نشنیدند و شاید مصلحت نبود که بشنوند!!

با اعلام آمادگی شما برای شرکت در انتخابات، چون شما را فردی با تجربه و معتقد به اصول اخلاقی و مقید به استفاده از ابزار عقل و اهل مشورت می شناختیم، می دانستیم که شما می توانید جامعه ایی که با دروغ ها گروه گروه شده بود را متحد سازید. و صادقانه وارد میدان شدید و مردمی که به شما اعتماد کرده بودند را تنها نگذاشتید. شهادت خواهرزاده عزیزتان و حصر شما و خانم رهنورد مصداقی از سختی و رنج آسیب دیدگان پس از انتخابات بود.

و اما حال این روزهای ما همانند آن مادری است که در دادگاه وقتی فرزندش مدعی دیگر پیدا می کند به خاطر سلامت او ظاهرا از ادعایش دست بر می دارد، ولی امید دارد که قاضی عادل پیدا شود در ضمن ما تاریخ صدر اسلام را هنوز به یاد داریم که: مولایمان حضرت علی (ع) برای حفظ دین خدا و رسولش سکوت می کند و امام حسن (ع) با توجه به شرایط جامعه مجبور به قبول صلح می شود. اما وقتی باطل با پررویی لباس حق می پوشد، حرف آخر را امام حسین (ع) با خوشن می زند.

اما برادر گرانقدر! شما چه با سکوت بیست ساله و چه حصر، همیشه پیامتان را می رسانید. و دوستانان پیام شما را دریافت می کنند.

در پناه خدا باشید.

ژیلا بدیهیان (همسر شهید حاج ابراهیم همت)

فاطمه چهل امیرانی (همسر شهید حمید باکری)

۹۰/۹/۱۳



های تاریخی در کنار مردم قرار گرفته اید و از آنها حمایت کرده اید. حضور و مدیریت شما در جنگ تحمیلی را فراموش نخواهیم کرد. مردم ایران قحطی دامنگیر پس از جنگ دوم جهانی را به یاد داشتند که شما با ایستادگی در برابر افرادی که اقتصاد آزاد و بازار آزاد را طلب می کردند، توانستید ارزاق عمومی را در اختیار مردم قرار دهید. و مانع فرصت طلبان و سود جویان شدید. حمایت مردم از امام و رزمندگان و دولت و پشتیبانی شما از نیروهای مسلح، باعث شد دشمن متجاوز به اهداف خود نرسد. به یاد دارم که شهید مهدی باکری نقل قولی از یک فرد محلی را گفته بودند که "وقتی عراقیها از مرز وارد شدند سوال کردم کجا می روید فرمانده عراقی جواب داده بود ناهار اندیمشک شام خرم آباد" و ما به شوخی می گفتیم ناهار فردا تهران!!!!

و خنده دار آنجاست که برخی مدیریت وضع فعلی کشور (با درآمدهای نفتی و غیره) را با مدیریت زمان شما مقایسه می کنند!!!!

برادر ارجمند

بعد از اتمام جنگ تحمیلی و رحلت حضرت امام بسیاری از فرصت طلبان در پی فرصت های از دست رفته شان و با غنیمت جنگی دنبال طراحی و برنامه ریزی برای بدست آوردن قدرت بودند و در آن فضا شما مجبور به سکوت شدید و نظاره گر کسانی که در زمان امام فرصت پیدا نکرده بودند، قدرت را در دست بگیرند و سازهایشان را کوک کنند که صدایش سال ۸۴ در آمد.

شعار دادن های پوشالی آغاز شد. گفتند که نرخ بهره یک رقمی می شود نفت بر سر سفره ها می آید و ... و جماعتی از مردم به امید زندگی بهتر باز شعار ها را باور کردند. و

همسران دو سردار شهید دفاع مقدس، شهیدان همت و باکری، در نامه‌ای به میرحسین موسوی نوشتند: شما چه با سکوت بیست ساله و چه حصر، همیشه پیامتان را می رسانید. و دوستانان پیام شما را دریافت می کنند. آنها با تاکید بر اینکه میرحسین صادقانه وارد میدان شد و مردمی را که به او اعتماد کرده بودند تنها نگذاشت؛ شهادت سید علی موسوی حبیبی و حصر فعلی موسوی و رهنورد را مصداقی از سختی و رنج آسیب دیدگان پس از انتخابات دانستند.

به گزارش کلمه، ژیلا بدیهیان، همسر شهید حاج ابراهیم همت، و فاطمه چهل امیرانی، همسر شهید حمید باکری، همچنین یادآور شدند: ما تاریخ صدر اسلام را هنوز به یاد داریم که: مولایمان حضرت علی (ع) برای حفظ دین خدا و رسولش سکوت می کند و امام حسن (ع) با توجه به شرایط جامعه مجبور به قبول صلح می شود. اما وقتی باطل با پررویی لباس حق می پوشد، حرف آخر را امام حسین (ع) با خوشن می زند.

این دو همسر شهید، در این نامه همچنین با بیان اینکه "نمی دانیم چه زمانی می توانیم جواب سلام مان را دریافت کنیم" خاطرنشان کردند: "هدف از نگارش این نامه، ماندن در حافظه تاریخی است که ما شما و همسر گرامیتان خانم رهنورد و جناب آقای کروی و همه خواهران و برادرانی که در دست تنگ نظران گرفتارند، فراموش نکرده و نخواهیم کرد. و ما قدردان زحمات شما و دیگر دوستان در بند هستیم."

متن کامل این نامه را در ادامه بخوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

«عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» سورة فرقان ۶۳

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به فروتنی راه میروند و چون جاهلان به ناروا خطابشان کنند سلام گویند و در گذرند.

برادر بزرگوار جناب آقای مهندس میرحسین موسوی

سلام علیکم بما صبرتم

نمی دانیم چه زمانی می توانیم جواب سلام مان را دریافت کنیم. ولی هدف از نگارش این نامه، ماندن در حافظه تاریخی است که ما شما و همسر گرامیتان خانم رهنورد و جناب آقای کروی و همه خواهران و برادرانی که در دست تنگ نظران گرفتارند، فراموش نکرده و نخواهیم کرد. و ما قدردان زحمات شما و دیگر دوستان در بند هستیم. دوستانی که قریب به اکثریت با نیت اصلاح امور و رفع مشکلات، نواقص موجود در اداره کشور را متذکر شدند. ولی افسوس که برنده ظاهری این میدان اقتدارگرایان و متملقین بودند. و شما را در بند کردند!!

برادر گرامی

خوش به حال شما، که همواره با انتخاب به موقع در بهره